

اصلات و اعتبار سنجی کتاب جعفر بن محمد بن شریح الحضرمی

مرتضی اسکندری (دانش پژوه سطح سه حوزه علمیه قم)

velamoheb@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸)

چکیده:

جعفر بن محمد بن شریح حضرمی از راویان امامی مذهب بوده که در حدود قرن دوم در عراق می‌زیسته است. از اساتید او می‌توان به ذریح المحاربی، حمید بن شعیب سیعی و عبدالله بن طلحه النهادی اشاره کرد. کتاب جعفر حضرمی، از محدود اصول باقیمانده از قرون اولیه بوده که اولین بار در حدود سده دوازده قمری در آثار شیخ حرّ عاملی و علامه مجلسی^۱ منعکس شده است. در بین عالمان متقدم رجالی، تنها شیخ طوسی^۲، جعفر حضرمی را در کتاب الفهرست معرفی و کتاب را به ایشان نسبت داده است و منبع این انتساب، کتاب فهرست حمید بن زیاد کوفی است. نگارنده با استفاده از روش‌های فهرستی، رجالی، جمع آوری قرائی و بررسی احتمالات و شواهد، ثابت کرده که کتاب مذکور تألیف حمید بن شعیب سیعی است و انتساب به جعفر حضرمی اشتباه بوده است. همچنین انتساب اشتباه کتاب توسط شیخ طوسی به جعفر حضرمی، ناشی از اشتباه هارون بن موسی تلّعکبری در تشخیص نسخه کتاب و مؤلف حقیقی آن است.

کلیدواژه‌ها: اصول اربعه‌انه، اصول نخستین، اصل جعفر بن محمد بن شریح، تحلیل فهرستی، نجاشی و شیخ طوسی.

۱ - مقدمه

حدیث، بی‌شک مهمترین منبع استنباط معارف دینی بعد از قرآن مجید است. با توجه به محدود بودن آیات الأحكام و اعتقاد مذهب امامیه مبنی بر اینکه حدیث، مفسّر و مبین قرآن کریم است، اهمیّت حدیث دوچندان می‌شود. از طرفی لزوم ارزیابی احادیث، امری ناگزیر

است. برای اعتبارسنجی احادیث از قدیم تا بحال مبانی و آراء مختلفی میان عالمان شیعه مطرح بوده است. به طور کلّی می‌توان مبانی اعتبارسنجی احادیث را به دو روش، وثوق صدوری و وثوق سندی تقسیم کرد. در نگاه وثوق صدوری، یکی از قرائتی که کمک شایانی به اعتبارسنجی حدیث می‌کند، تحلیل فهرستی احادیث است. روش تحلیل فهرستی، احادیث را از زاویه حجّیت کتب و منابع بررسی می‌کند. در روش فهرستی، هیچ ملاکی به عنوان معیار قطعی بر حجّیت حدیث مورد قبول قرار نمی‌گیرد و قاعده اولیه عدم حجّیت خبر واحد است.^۱ لازمه مبنای مذکور این است که، همه قرائن تا به مرحله وثوق و اطمینان نرسند، نمی‌توان حجّیت حدیث را قبول کرد و در نتیجه حدیث غیرمعتبر خواهد شد.

هدف نگارنده این سطور، نشان دادن کاربردی و تطبیقی تحلیل فهرستی در احادیث بر روی کتاب جعفر بن محمد بن شریح حضرتی است. این کتاب اولین بار در زمان صفویه و عصر زندگانی محمد باقر مجلسی به طریق وجاده^۲ پیدا شده است و در کتاب بحار الأنوار منعکس شده است.

علامه مجلسی در مقدمه بحار الأنوار کیفیت دستیابی به این نسخه را تشریح می‌کند. این کتاب، نسخه تصحیح شده قدیمی به خط شیخ منصور بن الحسن آبی بود که او از خط شیخ محمد بن الحسن قمی نقل می‌کند و تاریخ نسخه ۳۷۴ است. و محمد بن الحسن قمی از خط شیخ جلیل القدر هارون بن موسی تعلکبری نقل می‌کند (مجلسی، ۳۰۱۴: ۴۳). علامه مجلسی به این کتاب اعتماد کرده است، با اینکه خودش تصریح می‌کند که عالمان رجالی به خاطر وجاده‌ای بودن نسخه اعتماد به این کتاب نکرده‌اند، اما ایشان این کتاب را از جمله منابع معتبر کتاب بحار الأنوار معرفی می‌کند. (همان)

۱. قائلین به مسلک فهرستی، اصل را بر عدم حجّیت خبر می‌دانند و حجّیت را دادر مدار اطمینان و وثوق عقلانی به وسیله تجمعی قرائن را قبول دارند. بنابر این مسلک همه چیز از جمله، طرق مفهوس به صاحب کتاب و قبول کتاب نزد اصحاب امامیه و شواهد نسخه‌شناسی و شهرت کتاب و انعکاس آنها در مصادر اولیه و مطابقت با فتوا و مطابقت با عمومات آیات و غیره باید بررسی شود، تا اطمینان عقلانی حاصل شود.

۲. وجاده یکی از طرق تحمل حدیث است و حجّیتی بر آن مترتب نمی‌شود. وجاده به نسخه‌ای گفته می‌شود که صاحب نسخه طریق از مشایخ به کتاب نداشته باشد.

۲- طرح مسأله

جعفر بن محمد بن شریح الحضرمی از راویان امامی مذهب است و هیچ اطلاعی درباره زندگی ایشان در دست نیست. با توجه به اینکه استاد عمدۀ و اصلی جعفر حضرمی، حمید بن شعیب سیعی همدانی از صحابه امام صادق ع است (نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ۱۳۲)، می‌توان حدس زد که به احتمال زیاد ایشان معاصر امام کاظم ع باشد.

تنها گزارشی که در کتب رجال و فهارس در مورد جعفر بن محمد بن شریح آمده است، کلام شیخ طوسی در کتاب فهرست می‌باشد. (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۱۱)

روایات کتاب جعفر بن محمد بن شریح اولین بار در کتاب‌های اثبات الهداء بالنصوص و المعجزات شیخ حرّ عاملی و بحار الأنوار محمدباقر مجلسی ذکر شده است (حرّ عاملی، ۱۴۱۶ق: ۵۲/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۴/۱).

عاملی در مقدمه اثبات الهداء اسم کتاب جعفر حضرمی را ذکر می‌کند ولی تنها به ذکر دو روایت از این کتاب اکتفاء می‌کند (حرّ عاملی، ۱۴۱۶ق: ۳/۲۱۴، ۲۱۶، ح ۱۰۱۶؛ همان: ۲۱۸/۵، ح ۸۰/۴). علت این کار دقیقاً معلوم نیست. احتمال دارد همین دو حدیث را مناسب با موضوع کتابش تشخیص داده است. اما مجلسی ۱۲۳ روایت از کتاب جعفر حضرمی به صورت پراکنده نقل می‌کند. (برای نمونه ن.ک: مجلسی، ۳/۱۴۰۳، ۱۸۶، ۱۹۶، ۲۲۴/۱؛ همان: ۹۴/۲، ۱۳۹، ۱۹۱، ۲۲۷؛ همان: ۵۷/۲۲۲، ۲۳۲؛ همان: ۵۸/۱۳۵؛ همان: ۶۱/۴۶؛ همان: ۶۲/۳؛ همان: ۷۷/۳۲۸؛ همان: ۷۸/۴۱، ۱۲۹، ۱۷۶ و ۲۵۶). احتمال دارد همین امر باعث شده که بعضی از محققان، مجلسی را اولین کسی بدانند که نسخه کتاب را به جامعه شیعی عرضه کرده است. (محمودی، ۱۴۲۳ق: ۱۹ و نوری، ۱۴۰۸ق: ۱/۷۵).

بعد از مجلسی، محدث نوری روایات مربوط به احکام شرعی کتاب جعفر حضرمی را به صورت پراکنده در مستدرک الوسائل ذکر کرد. (برای نمونه ن.ک: نوری، ۱۴۰۸ق: رقم حدیث ۷۱، ۷۱، ۸۱، ۹۴، ۱۰۶، ۱۶۲، ۱۷۵، ۲۳۱، ۲۲۱۲، ۲۱۵۶، ۱۱۸۴، ۱۰۶۸، ۶۶۵، ۲۳۱، ۲۸۹۶، ۲۵۳۱، ۴۳۵۸ و ۴۳۴۹). ۳۶۵۵، ۳۹۹۱، ۴۳۲۶، ۳۲۶۳، ۳۱۷۷

روش‌های مختلفی برای اعتبارسنجی احادیث وجود دارد و طبق هر کدام از آنها نتیجه فرق خواهد کرد. نوشته حاضر در صدد اعتبارسنجی کتاب محور (بررسی فهرستی یا بررسی روایات

بر پایه حجیت کتاب) است. نگارنده این سطور چند غرض را پی‌گیری می‌کند، در مرحله اول سعی بر این دارد با روش تحلیلی - توصیفی قرائن صحّت کتاب را جمع آوری کند و در مرحله دوم با استفاده از روش‌های تحلیل متنی و مضمونی و تحلیل آسناد (تحلیل رجالی) احادیث کتاب عصر حضرمی را اعتبارسنجی کند.

۳- پیشینه بحث

محمد رضا جدیدی نژاد در مقاله خود با عنوان «بازخوانی نسبت برخی کتاب‌ها به بعضی از مؤلفان». احتمال اینکه عصر حضرمی تنها راوی کتاب جابر باشد را ذکر کرده است ولی ادله‌ای بر مدعای خود نکرده و همچنین هیچ کاری در اعتبارسنجی، اصالت‌سنجی، مصدرشناسی و شناخت اسناد و شاگردان عصر حضرمی انجام نداده است (آینه پژوهش، فروردین ۱۳۹۰، شماره ۱۲۷).

غرض نگارنده در این سطور، واکاوی قرائن اصالت کتاب بوده و با استفاده از روش‌های متعدد کتابشناسی و مصدریابی (توصیفی - تحلیلی) و تحلیل‌های رجالی، در صدد کشف مؤلف حقیقی و جایگاه کتاب نزد اصحاب امامیه و میزان اعتبار گزاره‌های حدیثی است.

۴- بررسی اصالت کتاب

در نسخه‌ای که به دست علامه مجلسی رسیده، کتاب را به عصر حضرمی استناد داده است. داده‌های کتابشناسی (فهارس) و راوی شناسی (رجال) در تعیین مؤلف واقعی کتاب و احوال مؤلف، مختلف است.

۴-۱- دیدگاه رجالیون در مورد عصر بن شریع و کتاب او

در میان عالمان رجالی مطالب مختلفی در مورد عصر بن محمد بن شریع حضرمی گفته شده است که تقریباً همه ناظر به کتاب اوست و در مورد شخصیت او از حیث وثاقت و عدم وثاقت، مطالبی ذکرنشده است.

۴-۱-۱- نظر منتقدین

از فهرست نگاران متقدّم، شیخ طوسی در مورد ایشان می‌گوید:
«عصر بن محمد بن شریع دارای کتاب است و من نقل می‌کنم با اسناد اول از ابن همام از

حمید از احمد بن زید بن جعفر الأردى البزار از محمد بن أمیّة بن القاسم الحضرمی از جعفر بن محمد بن شریح» (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۱۱).

به خلاف شیخ طوسی، نجاشی عنوان مستقلی باز نکرده است و بنابراین فهمیده می‌شود که نجاشی عفرین محمد بن شریح را صاحب کتاب نمی‌دانسته است. اما با جستجو در متن رجال نجاشی درمی‌یابیم که اسم جعفر حضرمی، از جمله راویان کتاب حمید بن شعیب سبیعی الهمدانی ذکر شده است. نجاشی می‌گوید: «برای سبیعی کتابی است که عفرین محمد بن شریح از جابر نقل کرده است. (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۳۳) برقی و ابن شهرآشوب هم در کتابشان هیچ اطلاعاتی ذکر نکرده‌اند و فقط کتاب را به جعفر استناد داده‌اند. (برقی، ۱۳۴۲ش: ۸۸ و ابن شهرآشوب، ۱۳۸۰ق: ۳۱)

۴-۱-۲ نظر متأخرین

استرآبادی، تفرشی، حسینی حلّی، قهپائی، اردبیلی و خوئی همان تعبیر شیخ طوسی را بدون هیچ دخل و تصریفی نقل کرده‌اند. (استرآبادی، ۱۴۲۲ق: ۲۳۱/۳؛ تفرشی، ۱۳۷۷ش: ۳۵۱؛ حلّی، ۱۴۲۸ق: ۹۱؛ قهپائی، ۱۳۶۴ش: ۴۰/۲؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ۱۵۹؛ خوئی، ۱۴۱۳ق: ۸۲/۵ و بغدادی، ۱۴۲۶ق: ۲۷۵/۱)

مامقانی تعبیر «فالله کسابقه» را در مورد جعفر بن محمد بن شریح به کاربرده است. منظور ایشان از این تعبیر این است که همان چیزی هایی که در مورد راوی سابق گفته شد، در مورد جعفر حضرمی هم ثابت است. ایشان در مورد راوی سابق (جهفر بن محمد السنجاری) فرموده‌اند که ظاهر از عدم بیان فساد مذهب توسط شیخ طوسی و نجاشی، امامی بودن راوی است (مامقانی، ۱۴۳۱ق: ۱۲/۱۶). محقق کتاب تدقیق المقال در حاشیه تذکر داده است: «کمترین چیزی که در مورد عفرین محمد بن شریح می‌توان گفت، حسن بودن است و علت‌ش را روایت تلعکبری از او هر چند با واسطه، و صاحب اصل بودن او دانسته است».

به نظر می‌رسد مامقانی وثاقت جعفر حضرمی را نتیجه نگرفته است و صرفاً کسی که فسقش احراز نشده «ما لم يظهر فسقه» معرفی کرده است و این مقدار، در ثبوت وثاقت کافی نیست. (مامقانی، ۱۴۳۱ق: ۱۲/۱۶)

نمایی شاهروندی کتاب را به جعفر بن محمد بن شریح نسبت داده و پدرش را از ثقات اصحاب امام صادق علیه السلام دانسته است (مقصود محمد بن شریح الحضرمی است که روایات بسیاری در تراث امامیه دارد) و گفته است: نسخه‌ای از کتاب نزد ایشان موجود است. (نمایی، ۱۴۱۴ق: ۲۰۲/۲)

به نظر می‌رسد منبع نمایی، مستدرک محدث نوری است. در مستدرک، پدر جعفر حضرمی را محمد بن شریح دانسته که از ثقات اصحاب امام صادق علیه السلام است. (نوری طبرسی، ۱۴۲۹ق: ۷۶/۱۹)

اینکه پدر جعفر بن محمد، محمد بن شریح الحضرمی باشد، امری بعید است؛ چون جعفر بن محمد در کتابش با دو واسطه از محمد بن شریح نقل می‌کند و بسیار بعید است کسی از پدرش با دو واسطه نقل کند. شاهد دیگر این است که تعبیر «أبیه» در اسناد کتاب وارد نشده است و عادتاً اگر شخص مذکور پدر جعفر حضرمی بود، باید حداقل با یک واسطه نقل می‌کرد. در متون روایی هم موارد مشابه به وفور دیده می‌شود. (برای نمونه ن. ک: الکافی، ۱۴۰۷ق: ۱۱/۱، ح۹ و ۱۰؛ همان: ۱۵۱ و ۴۷؛ وقعة الصفين، ۱۴۰۴ق: ۱۴۲ او المؤمن، ۱۴۰۰ق: ۳۴)

محقق شوستری می‌گوید: عنوان نکردن شیخ طوسی در کتاب رجال، غریب است با اینکه موضوع کتاب عام است. (نسترنی، ۱۴۱۰ق: ۶۷۵/۲). ایشان اضافه می‌کند که نسخه‌ای از این کتاب را ضمن اصول چهارده کانه در کتابخانه محدث جزایری دیده است.

احمدیان نجف آبادی در احوال رجال الأصول السّتة عشر می‌گوید: جعفر بن محمد بن شریح، امامی مذهب ولی مجھول است (مهریزی، ۱۳۸۰ش: ۵۲۷/۱۹).

از مجموع نظریات عالمان رجالی نتیجه گرفته می‌شود به اینکه حداقل چیزی که در مورد جعفر حضرمی می‌توان گفت این است که ایشان حتماً امامی مذهب است، اما وثاقتش به دلیل عدم تصریح ثابت نیست.

۵- مشایخ و شاگردان جعفر حضرمی

مشایخ جعفر حضرمی طبق آنچه در اسناد کتاب جعفر حضرمی آمده، به ترتیب زیر است:

حمید بن شعیب السَّبِيعی

ابن غضائی در مورد ایشان می‌گوید:

«یعرف حدیثه تارة، و ینکر أخرى، و أكثره تخلیط ممّا یرویه عن جابر و أمره مظلوم» (ابن غضائی، ۱۴۲۲ق: ۵۰). از این عبارت ابن غضائی، علامه مجلسی و صاحب حاوی الأقوال برداشت ضعف راوی کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۲۰ق: ۷۱؛ مامقانی، ۱۴۳۱ق: ۲۴ / ۳۳۴). مامقانی بر مجلسی ایراد گرفته که تضعیف حمید بن شعیب بسیار غریب است، چون احدی از علمای گذشته حمید بن شعیب را تضعیف نکرده‌اند (مامقانی، ۱۴۳۱ق: ۲۴ / ۳۳۴).

استرآبادی می‌گوید: نقل عده‌ای از اصحاب از حمید بن شعیب بیانگر اعتماد بر اوست (استرآبادی، ۱۴۲۲ق: ۴ / ۴۲۰). برخی محققین معاصر کلام استرآبادی را تأیید کرده‌اند و دلیل وثاقت حمید بن شعیب را نقل حسن بن محمد بن سماعه از او دانسته‌اند. چرا که ابن سماعه از کسانی است که از غیرنفعه نقل نمی‌کند (مظاہری، ۱۴۲۸ق: ۱۴۷). ثبوت صحّت حرف مذکور مبتنی بر ثبوت مبنایی است که ابن سماعه را از افراد «لایروون و لایرسلون إلا عن ثقة» می‌دانند. (العدة في الأصول، ۱۴۱۷ق: ۱ / ۳۵۰) و حال آنکه بعيد است که حسن بن سماعه را از این افراد حساب کنیم، چون در بین کتاب‌های رجالی هیچ کس به این دلیل تمسّک نکرده است و فقط آقای مظاہری این مطلب را اظهار نموده‌اند.

نتیجه: به نظر می‌رسد نمی‌توان وثاقت حمید بن شعیب را احراز کرد.

أسعر بن عمرو الجعفی

قیس بن الرّبیع

عبدالله بن السّری

مورد دوم، سوم و چهارم مجھول بوده و هیچ اطلاعی از آنها در دست نداریم.

عبدالله بن طلحة النّهذی

نجاشی از این راوی اسم برده و مدخل مستقلی برای او باز کرده است، اما توثیق نکرده است. نجاشی در مورد این راوی می‌گوید: «عربی کوفی روی عن ابی عبدالله». (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۲۲۴)

آیت الله مظاہری از عبارت نجاشی توثیق استظهار کرده است و می‌گوید: «ابن ولید

ودیگران عبد‌الله بن طلحه را توثیق کرده‌اند». (مظاهري، ۱۴۲۸ق: ۲۳۰) حرف ایشان صحیح نیست، به خاطر اینکه در عبارت نجاشی هیچ اسمی از ابن ولید نیست، و مشخص نیست ایشان توثیق ابن ولید را از کجا فهمیده‌اند.

ابراهیم بن نعیم أبو الصَّابِح العَبْدِي الْكَنَانِي

ایشان از ثقات و اصحاب جلیل القدر شیعه می‌باشدند. کشی روایاتی از امام صادق ع در مدح ایشان نقل می‌کند (کشی، ۱۴۰۴ق: ۶۳۹/۲). نجاشی هم تصریح به وثاقت این راوی جلیل القدر دارد (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۹).

مُعْلَى الطَّحَان

أبو سعيد المدائني

نمایزی شاهروندی در مورد ایشان می‌گوید: «از اصحاب امام صادق ع است و روایاتی که از او نقل شده است دلالت بر حسن و صاحب کمالات بودن او می‌کند» (نمایزی، ۱۴۱۴ق: ۳۹۵/۸). اما مامقانی می‌گوید که فقط یک روایت از او در کتاب کافی در باب صلاة التسبیح نقل شده است و از این روایت نه اسمش، نه وصفش و نه حکم کردن به وثاقت و عدم وثاقت استفاده می‌شود (مامقانی، بی‌تا: ۱۸/۳، باب الکنی).

عَمَّارُ بْنُ عَاصِمٍ الصَّبِّي الْكُوفِي

شیخ طوسی در الرجال ایشان را از اصحاب امام صادق ع شمرده است. بقیه عالمان رجالی همان حرف شیخ را تکرار کرده‌اند بدون هیچ توضیح بیشتر (طوسی، ۱۳۷۳ش: ۲۵۲). شبستری می‌گوید: این راوی امامی مذهب است. (شبستری، ۱۴۱۸ق: ۲/ ۴۳۴)

عبدالعزیز بن عبدالجبار العبدی

إِبْرَاهِيمَ بْنَ حُبَيرَ

ذَرِيعَ الْمُحَارِبِي

ایشان از ثقات اصحاب می‌باشد. (خوئی، ۱۴۱۳ق: ۸/ ۱۵۶؛ مجلسی، ۱۴۲۰ق: ۲۲۹؛ عاملی، ۱۴۱۶ق: ۳۰)

شاگردان جعفر حضرمی که از او نقل می‌کنند دو نفر هستند:

محمد بن مشنی الحضرمی

محمد بن امية بن قاسم الحضرمي
ظاهراً این دوراوي یک نفر هستند. محدث نوري می‌گوید امية تصحیف شده متنی است.
چون محمد بن امية در هیج مصادری نه حدیثی و نه رجالی وارد نشده است. (نوري، ۱۴۲۹ق:
(۷۵/۱۹)

۶- منبع‌شناسی کتاب جعفر حضرمی

منابعی که جعفر حضرمی روایات را از آنها اخذ کرده است به شرح زیر است:

۱-۶- کتاب الفضائل، تأليف جابر بن يزيد الجعفي

نجاشی در مورد این کتاب می‌گوید: «له کتاب الفضائل. أخبرنا أحمد بن محمد بن هارون عن أحمد بن محمد بن سعيد عن محمد بن الحسن القطوانی عن عباد بن ثابت عن عمرو بن شمر عن جابر به». (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۲۹).

نجاشی به این کتاب از طریق ابن عقدہ کوفی اجازه دارد (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۲۹).
موضوع احادیث این کتاب، اسرار امامت و ولایت و فضائل و مناقب اهل بیت است.

احادیث ماخوذ از این کتاب به شرح زیر است:^۱

حدیث به رقم ۱ تا ۱۴ و ۱۶ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۶ و ۲۹ و ۳۳ و ۴۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۴ و ۵۵ و ۶۴ و ۶۷ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۹ و ۸۸ و ۹۶ و ۱۱۲ و ۱۱۴.

۲-۶- کتاب التفسیر، تأليف جابر بن يزيد الجعفي

نجاشی در مورد این کتاب می‌گوید: «له کتب منها: التفسير أخبرناه أحمد بن محمد بن هارون قال: حدثنا أحمد بن سعيد قال: حدثنا محمد بن أحمد بن خاقان النهدي قال: حدثنا محمد بن على أبو سمينة الصيرفي قال: حدثنا الربيع بن ذكرييا الوراق عن عبد الله بن محمد عن جابر به.»

طریق نجاشی به این کتاب هم مثل طریق کتاب قبلی از طریق ابن عقدہ کوفی است (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۲۹). ولی طریق شیخ طوسی به واسطه مشایخ ثلاثة او، مفید و غضائی

واحمد بن عبدون (نوری، ۱۴۲۹ق: ۷۵) از هارون بن موسی تلعکبری است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۱۶)

احادیث مأخوذه از این کتاب به شرح زیر است:

رقم ۱۵ و ۱۷ و ۲۲ و ۲۷ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۴۲ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۱ و ۶۵ و ۶۷ و ۸۱ و ۸۷ و ۹۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹.

۶-۳- کتاب النوادر، تأليف جابر بن يزيد الجعفى

نجاشی در مورد این کتاب می‌گوید: «وله كتاب النوادر أخبرنا أحمد بن محمد الجندي قال: حدثنا محمد بن همام قال: حدثنا جعفر بن محمد بن مالك قال: حدثنا القاسم بن الربيع الصحاف قال: حدثنا محمد بن سنان عن عمار بن مروان عن المنخل بن جميل عن جابر به.» طریق نجاشی به این کتاب هم از طریق ابوعلی ابن همام اسکافی از مشایخ بزرگ شیعه در بغداد به طریق استادش ابوالحسن ابن جندی اجازه دارد. شیخ طوسی اسمی از این کتاب در ترجمه جابر جعفی نمی‌برد.

موضوع احادیث این کتاب، صفات المؤمن و آداب و احکام است. احادیث مأخوذه به ارقام زیر است:

رقم ۱۸ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۸ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۱ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۳ و ۵۶ و ۵۷ و ۶۰ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۶ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۸۰ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۱۱۳.

۶-۴- کتاب ذریح بن محمد محاربی

نجاشی در مورد این کتاب می‌گوید: «له كتاب يرويه عده من أصحابنا» (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۶۳). طریق نجاشی به کتاب از طریق حسین بن عبیدالله غضانی است.

شیخ طوسی از کتاب ایشان تعبیر به «اصل» می‌کند. طریق ایشان از ابن ابی الجید قمی است، صفار قمی هم در طریق است. می‌توان گفت که کتاب ذریح محاربی از منابع صفار هم بوده و بنابراین بعضی از احادیث ذریح هم در کتاب بصائر الدرجات منعکس شده است (برای نمونه ن. ک: صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۱ و ص ۱۰۴ ح ۲ و ۴، ص ۱۰۶ و ص ۳۰۹ و ص ۳۱۰ و ص ۳۵۲ و ص ۳۹۵).

احادیث مأخوذه از این کتاب پنج حديث به ارقام ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ است.

۶- کتاب عبدالله بن طلحه النهذی

نگاشی در مورد این کتاب می‌گوید: «له کتاب یرویه عنه علی بن اسماعیل المیثمی اخربنا القاضی أبو عبد الله الجعفی قال: حدثنا أَحْمَدُ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُفْضَلٍ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْهُ بِهِ». طریق نگاشی به کتاب از طریق ابن عقدہ کوفی است. احادیث مأخوذه از این کتاب سیزده حديث به ارقام ۹۳ تا ۱۰۵ است. بقیه احادیث مذکور در کتاب که ۱۲ حديث می‌باشد و منبع آنها یافت نشد.

۷- اسناد موازی در منابع حديثی

روایات جعفر حضرتی دو نوع است: یا مختص کتاب جعفر حضرتی است، یا مشترک است و در منابع حديثی دیگر یافت می‌شود. این بحث مقدمه برای اعتبارسنجی اسناد است و آنجایی که سند به هر دلیلی ضعیف باشد، با استفاده از منابع دیگر می‌توان حديث را تصحیح کرد.



نمودار احادیث مشترک

رقم كتاب جعفر	موضوع	مصدر	حديث در مصدر	راوى مبادر	مروى عنه
١ ح	امامت	قرب الإسناد ٣٥١ ص	من سره أن لا يكون بينه وبين الله حجاب حتى ينظر إلى الله وينظر الله إليه فليستول آل محمد و يبرأ من عدوهم...الحادي	ابن بزنطى	امام باقر
٢ ح	فضائل	المناقب ٢٠٥ ص ج	من أحب عليا فقد أحبني ومن أبغضه عليا فقد أغضبني. (فقط ابن تكه نقل شده. روايت كتاب جعفر ادame دارد)	ابن عباس	رسول اكرم
٣ ح	امامت	المحاسن ٨٩ ص ج	التاركون ولية على المتكرون لفضلة والمظاهرون أعداءه خارجون عن الإسلام من مات منهم على ذلك	ابـوحـمـزـه ثـمـالـى	رسول اكرم
٤ ح	امامت	بصائرالدرجات ٧٥ ص ج	ولايـتا ولـاـيـةـ اللـهـ الـتـيـ لمـ يـبـعـثـ نـبـيـ قـطـ إـلـاـ بـهـ	جابـرـ جـعـفـى	امام باقر
٥ ح	امامت	تسـيـرـ فـرـاتـ كـوـفـىـ صـ ٤٦٨ـ	أن يكون من شيعتنا ما أصابه في الدنيا ولو لم يقدر على شيء يأكله إلا الحشيش (در تفسير فرات زیاده هم دارد)	جابـرـ جـعـفـى	امام باقر
٦ ح	امامت	قرب الإسناد ٣٥٠ ص	من تابعا و لم يخالفنا، و من إذا خفنا خاف، وإذا أمنا أمن، فألونك شيعتنا. (در تفسير عياشي ج ٢ ص ١١٧ هم روايت آمده ولى لفظ فألونك شيعتنا را ندارد)	در قرب امام باقر در تفسير امام رضا	در قرب ندارد ولي در تفسير احمد بن محمد است
٧ ح	امامت	بصائرالدرجات ٢٢ ص ج	إن حديثنا صعب مستصعب لا يؤمن به إلا النبي مرسل أو ملوك مقرب أو عبد امتنح الله قبله للإيمان فما عرفت قلوبكم فخذوه و ما انكرت قلوبكم فردوه علينا.	ابـوحـمـزـه ثـمـالـى	امام باقر (با الفاظ مختلف)
٨ ح	امامت	قرب الإسناد ٣٥٠ ص	ما أحد أكذب على الله و على رسوله صلى الله عليه و آله من كذبنا أهل البيت أو كذب علينا، لأنه إذا كذبنا أو كذب علينا فقد كذب الله و رسوله	ابـىـ نـصـرـ الـبـزـنـطـىـ	امام رضا
٩ ح	امامت	همـانـ	و الله لا تذهب الدنيا حتى يبعث الله من رجلا أهل البيت يعمل بكتاب الله، ولا يرى منكرا إلا أنكره.	بدون راوي	امام باقر
١٠ ح	امامت	كافـيـ ١٩٥ـ صـ جـ	تفسير آية ٢٨ سوره حديد: إماماً تأتمنون به. فقط ابن تكه از روايت نقل شده است	ابـىـ الـجـارـودـ	امام باقر
١١ ح	آدـابـ	المؤمنـ ٣٩ـ صـ	المؤمن آخر المؤمن لأبيه و أمه فإذا أصاب روحـاـ من تلك الأرواحـ في بلـدـةـ منـ الـبـلـدـانـ شيءـ حـزـنـتـ هذهـ الأـرـوـاحـ لأنـهـ مـنـهاـ	جابـرـ	امام باقر

١٢	٣١ ح	آداب	كافى ج ٢ ص ١٢٥	إن المحتابين فى الله يوم القيمة على منابر من نور قد أضاء نور وجوههم ونور أجسادهم ونور منابرهم كل شيء حتى يعرفوا به فقال هؤلاء المحتابون فى الله.	امام صادق	ابي بصير
١٣	٣٥ ح	آداب	كافى ج ٢ ص ١٥١	الرحم معلقة بالعرش تقول اللهم صل من وصلنى واقطع من قطعني وهى رحم آل محمد وهو قول الله تعالى (الذين يصلون ما أمر الله به أن يوصل) ورحم كل ذى رحم.	همان	همان
١٤	٣٦ ح	امامت	بصائر المرجات ج ١ ص ٢٠٣	إن القرآن فيه محكم ومشابه، فأما المحكم فنؤمن به ونعمل به وندين به، وأما المشابه فنؤمن به ولا نعمل به	امام صادق	وهب بن حفص
١٥	٣٧ ح	آداب	المحسن ج ١ ص ٢٥٠	سلا ربك العفو والعافية فانكم لستم من رجال البلاء فإنه من كان قبلكم من بنى إسرائيل شقوا بالمناشر على أن يعطوا الكفر فلم يعطوه.	همان	ابي بصير
١٦	٤٤ ح	حقيقة نفس	أمساكى صدوق ج ١٤٥ ص	إن الأرواح جند مجند، فما تعارف منها اختلف فى الأرض، وما تناكر عند الله اختلاف فى الأرض. (اماوى زياده دارد).	همان	معاوية بن عمارة
١٧	٤٨ ح	محاسبه (آداب)	كافى ج ٢ ص ٤٥٥	إن النهار إذا جاء قال: يا ابن آدم! أعمل فى يومك هذا خيراً أشهد لك عند ربك يوم القيمة... الحديث.	همان	هشام بن سالم
١٨	٦٠ ح	آداب	كافى ج ٢ ص ٦٥٢	انظر قلبك، فإذا انكر صاحبك، فإن أحدكم قد أحدث.	همان	حمد بن عثمان
١٩	٦٦ ح	آداب	كافى ج ٢ ص ٢٩٤	ما من عبد يسر شرا إلا لم تذهب الأيام حتى يظهر له شرا.	همان	جابر
٢٠	٦٧ ح	امامت	قرب الاستناد ص ٣٥	إنكم أهل بيت رحمة اختصكم الله بذلك، قال: نحن كذلك والحمد لله لم ندخل أحداً في ضلاله، ولم نخرج أحداً من باب هدى، نعود بالله أن نضل أحد.	همان	جابر
٢١	٦٨ ح	آداب	كافى ج ٢ ص ١٠٩	ثلاث لا يزيد الله بهن المرء المسلم إلا عزا الصفح عن ظلمه وإعطاء من حرمهه والصلة لمن قطمه.	همان	جابر
٢٢	٧٩ ح	امامت	اختصاص ص ٢٦٨	لا يستكمل عبد الإيمان حتى يعرف أنه يجرى لأنها ما يجري لأننا وهم في الطاعة والحجارة والحلال والحرام سواء ولمحمد وأمير المؤمنين فضليهما.	امام باقر	احمد بن عمر حلبي
٢٣	٨٥ ح	صفات المؤمن	ثواب الأعمال ص ١٣٨	ما من مسلم أقرض مسلماً قرضاً يريد به وجه الله إلا احتسب له أجرها بحسب الصدقة حتى يرجع إليه	امام صادق	فضيل بن يسار

٢٤	٨٦ ح	آداب	مشكاة الأنوار ص ٢٥٩	إن لله ديك رجله في الأرض ورأسه في السماء تحت العرش وجناح له في الشرق وجناح له في الغرب يقول سبحان ربى القدس فإذا صاح أجايته الديوك فإذا سمعتم أصواتها فليقل أحدكم سبحان ربى الملك القدس	امام صادق	محمد بن ابي عمير
٢٥	٩٣ ح	آداب	معاني الأخبار ص ٢٤١	لا يدخل الجنة من في قلبه مثقال حبة من خردل من كبر ولا يدخل النار من في قلبه مثقال حبة من خردل من إيمان قال فاسترجعت فتقال مالك تسترجع قلت لما أسمع منك فقال ليس حيث تذهب إنما أعني الجحود إنما هو الجحود	همان	داود بن فرقاد
٢٦	٩١ ح	آداب	أمالى مفید ص ١٧٣	ثلاثة لا تقبل لهم صلاة عبد آبي من مواليه حتى يضع يده فى أيديهم وامرأة باتت وزوجهما عليها ساخت ورجل أم قواما وهم له كارهون	همان	ابن ابي عفور
٢٧	٩٥ ح	آداب	كافى ج ٥ ص ٥٠٧	ما ضاع من مال فى بر ولا بحر إلا بمنع الركاة فحصتنا أموالكم بالرकة، وداعوا مرضاكم بالصدقة، ودفعوا أنواع البلاء بالاستغفار	همان	حسن بن منذر
٢٨	١٠١ ح	آداب	المحسن ج ١ ص ٢٩٤	إن الصاعقة لا تصيب ذاكرا لله عز وجل. (در) كتاب جعفر زياده دارد)	همان	اسحاق بن عمار
٢٩	١٠٢ ح	آداب	أمالى صدوق ص ٤٨٤	نحن عنده نظرتم حيث نظر الله واخترتمن اختار الله أخذ الناس يمينا وشمالا وقصدتم محمدا من أملك على المحجة البيضاء فأعينتنا على ذلك بورع ثم قال حيث أردنا أن تخرج وما على أحدكم إذا عرفه الله هذا الأمر أن لا يعرفه الناس إنه من عمل للناس كان ثوابه على الناس ومن عمل لله كان ثوابه على الله.	همان	عبد الله بن حماد
٣٠	١٠٦ ح	فضائل	يشارة المصطفى ص ١٤٤	نحن قوم فرض الله طاعتنا وأنتم تؤمنون بمن لا يعذر الناس بجهالتهم.	همان	يزيد بن خليفه
٣١	١٠٩ ح	امامت	كافى ج ١ ص ١٨٦	يا خيمه أبلغ مواليها السلام، وأوصهم بشؤون الله، و أوصهم أن يعود غذائهم على فقيرهم، وقوفهم على ضعيفهم، وأن يشهد حبهم جنائز ميتهم، وأن يتلاقوا في بيوتهم؛ فإن لقاء بعضهم ببعض في بيوتهم حياة لآخرنا، رحم الله عدنا أحيا أمينا...	همان	بشير العطار
٣٢	١١٠ ح	آداب	مصادقه الإخوان ص ٣٤	- امامت -	همان	جعفى خيمه

۸- ارزیابی طرق به کتاب جعفر بن محمد بن شریح الحضرمی

این بحث مبتنی بر قبول مبنای لزوم ارزیابی طرق شیخ طوسی به کتب است. از قائلین به این مبنای صاحب معلم و صاحب مدارک و بحرالعلوم است. در مقابل کسانی مثل تفرشی و فاضل سبزواری ارزیابی طرق را ضروری نمی‌دانند. (کلباسی، ۱۴۱۹ق: ۳۹۷/۲)

۸-۱- طریق شیخ طوسی

شیخ طوسی در فهرست طریق خودش را به کتاب چینین بیان می‌کند:

«رویناه بالإسناد الأول، عن ابن همام، عن حميد، عن أحمد بن زيد بن جعفر الأزدي البزار، عن محمد بن أمية بن القاسم الحضرمي، عن جعفر بن محمد بن شریح (عن رجاله)». مقصود از بالإسناد، «جماعه من اصحابنا عن هارون بن موسى التلعکبری» است. مقصود از جماعة من اصحابنا، شیخ مفید و حسین بن عبیدالله غضائی و احمد بن عبدالون است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۰۹ و نوری طبرسی، ۱۴۲۹ق: ۷۵/۱۹).

اردبیلی طریق شیخ طوسی به کتاب جعفر بن محمد بن شریح را مجھول دانسته است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ۴۸۲/۲). آیت الله خوئی و محدث نوری طریق شیخ طوسی را ضعیف می‌داند. (خوئی، ۱۴۱۳ق: ۸۲/۵؛ نوری طبرسی، ۱۴۲۹ق: ۷۸/۲۴)

عمده علت اینکه باعث مجھول شدن طریق شده است، مجھول بودن احمد بن زید بن جعفر الأزدي البزار و محمد بن أمية است. از طریق شیخ طوسی فهمیده می‌شود که ایشان کتاب را از تلعکبری اخذ کرده است و تلعکبری هم از میراث حمید بن زیاد کوفی گرفته است. بنابراین می‌توان گفت که کتاب در فهرست حمید بن زیاد معرفی شده بود و منبع شیخ طوسی برای کتاب جعفر حضرمی، فهرست حمید بن زیاد است. ما طریق شیخ را به دو مسلک رجالی و فهرستی ارزیابی می‌کنیم:

۸-۱-۱- مسلک رجالی:

راویان طریق شیخ طوسی به ترتیب زیر می‌باشند:

جماعه من اصحابنا، همه از ثقات و وجوده اصحاب می‌باشد (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۹۹ و ۸۷ و ۶۹).

هارون بن موسی تلعکبری هم از وجوده و ثقات اصحاب است (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۴۳۹). محمد بن علی بن همام بغدادی از مشایخ اجازه تلعکبری و از بزرگان علمای شیعه، متوفی ۳۲۶ق است (البصری، ۱۴۲۲ق: ۳۲۴؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۶ق: ۵۳۵/۳۰). حمید بن زیاد کوفی واقفی مذهب و صاحب فهرست معروف و از ثقات است (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۳۲).

احمد بن زید بن جعفر الأزدي شخصی مجهول است و اسمی از ایشان در منابع رجالی نیست. اما محدث نوری قائل به وثاقت ایشان است و علت‌ش هم این است که از مشایخ اجازه است و مبنای ایشان وثاقت مشایخ اجازه است (نوری، ۱۴۲۹ق: ۷۹/۱۹).

محمد بن امیه، محدث نوری می‌گوید امیه تصحیف شده مثنی است. محمد بن مثنی بن قاسم حضرمی یکی از صاحب اصول شائزده‌گانه است که به دست ما رسیده است (نوری طبرسی، ۱۴۲۹ق: ۹/۱۹).

نجاشی در مورد محمد بن مثنی تعبیر ثقه را به کار برده است. (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۷۱). نتیجه: مجهولیت احمد بن زید بن جعفر بنا بر مبنای عدم توثیق مضر به وثاقت نیست و می‌توان طریق را معتبر دانست. اما بنا بر مبنای لزوم وثاقت تمام راویان طرق به کتاب، طریق شیخ طوسی مستعمل بر افراد مجهول بوده و در نتیجه ضعیف خواهد شد.

۱-۸- مسلک تبیین فهرستی:

در بررسی فهرستی، اعتبارسنجی منابع از جهت حجیّت کتاب می‌شود. پرسش‌های اصلی در این بخش، این است که، آیا کتب مذکور در فهارس متقدم حجیّت دارد؟. اختلاف تعبیر نجاشی و شیخ طوسی و دیگر ارباب فن به خاطر چه ملاکی است؟. در مرحله اول طریق شیخ طوسی و در مرحله بعد طریق نجاشی را از نگاه فهرستی تحلیل می‌کنیم.

همان‌طوری که از طریق شیخ طوسی مشخص می‌شود، مصدر اصلی ایشان، فهرست حمید بن زیاد است. شیخ طوسی فهرست حمید بن زیاد را به واسطه اجازه از شیخ مفید و حسین بن عییدالله غضائی و احمد بن عبدون از تلعکبری نقل می‌کند. شیخ طوسی به همین طریق به کتاب اعتماد کرده و انتساب کتاب را به جعفر حضرمی قطعی می‌داند. برای همین

عنوان مستقل و طریق برای جعفر حضرمی در کتاب الفهرست ذکر می‌کند. اما با این حال، برخی محققین مطلقاً حکم به ضعف طریق کرده و کتاب را از اعتبار ساقط دانسته‌اند (داوری، ۱۴۱۶ق: ۳۳۷).

۲-۸- طریق نجاشی

۲-۸-۱- مسلک فهرستی:

پرسش اصلی در این بحث این است که، چرا نجاشی، مدخلی برای جعفر حضرمی باز نکرده است؟ با اینکه فهرست حمید بن زیاد به نسخه تلکبری در اختیار نجاشی بوده است. نجاشی برخلاف شیخ طوسی، تلکبری را ملاقات کرده و با پسر تلکبری رفیق بوده و خانه او می‌رفته است (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۴۳۹). در پاسخ به سؤال، محقق شوشتري احتمال می‌دهد که کتاب جعفر حضرمی به دست نجاشی نرسیده است (شوشتري، ۱۴۱۰ق: ۶۷۵/۲). اما به نظر می‌رسد، علت چیز دیگری باشد و آن این است که نجاشی اتساب کتاب به جعفرین محمدبن شریح را قبول نکرده است.

با جستجو در کتاب نجاشی به موردی برمی‌خوریم که اسم جعفرین محمد بن شریح در آنجا ذکر شده است. نجاشی در ترجمه حمید بن شعیب السیعی می‌گوید:

«کوفی روی عن أبي عبد الله و روی عن جابر. له كتاب رواه عنه عده. وأكثر ما يرى رواية أبو عبد الله بن جبلة. أخبرنا الحسين بن عبيد الله قال: حدثنا أحمد بن جعفر بن سفيان قال: حدثنا حميد بن زياد قال: حدثنا الحسن بن محمد بن سمعاعة قال: حدثنا عبد الله بن جبلة عن حميد بن شعيب بكتابه و له كتاب يرويه جعفر بن محمد بن شریح عنه عن جابر». (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۳۳)

عبارت نجاشی دلالت بر این دارد که حمید بن شعیب دو کتاب دارد:

۱) کتاب اول: کتابی است که تأثیف خود حمید بن شعیب است. در این کتاب گاهی مستقیم از حضرت امام صادق نقلمی کند و گاهی با واسطه جابر از آن حضرت نقل می‌کند. این کتاب را راویان مختلفی نقل کرده‌اند، بیشتر راویات این کتاب را عبد الله بن جبله (از سران واقعیه) نقل کرده است. احتمال دارد به همین علت که از ترااث واقعیه است بعضی این کتاب را

غیر معتبر می‌دانند. و برخی از محققین با اینکه عبداللہ بن جبله از واقعه است ولی به جهت صحیح بودن طریق نجاشی به کتاب، حکم به اعتبار کتاب می‌کنند. (داوری، ۱۴۱۶ق: ۳۳۷) طریق نجاشی به این کتاب از طریق استادش حسین بن عبیدالله غضائی است و او هم از فهرست حمید بن زیاد کوفی نقل می‌کند.

۲) کتاب دوم: این کتابی است که جعفر بن محمد بن شریح آن را نقل می‌کند. کتابی که مثل تقریر روایات حمید بن شعیب توسط جعفر بن محمد بن شریح است.

در طریق نجاشی به این کتاب دو احتمال دارد:

احتمال اول: طریق همان طریق به کتاب اول باشد:

با تحلیل این اجازه نجاشی به کتاب، می‌توان پی به این نکته برد که نجاشی کتاب را تألیف جعفر بن محمد بن شریح نمی‌داند بلکه کتاب را تألیف حمید بن شعیب می‌داند که روایات جابر از حضرت صادق ع در آن نقل شده است. در حقیقت کتاب حمید بن شعیب را جعفر بن محمد بن شریح استنساخ کرده است. شبیه چاپ‌هایی که امروزه متداول است و از یک کتاب دو چاپ مختلف وجود دارد و بدیهی است که در این موقع کتاب را به ناشر نسبت نمی‌دهند، در حالی که اساساً مفهوم نسخه ۳ را ندارد.

احتمال دارد چون کتاب به خط جعفر بن محمد بن شریح بوده است، حمید بن زیاد کتاب را تألیف جعفر بن محمد بن شریح پنداشته و در فهرست کتاب را به او نسبت داده است.

جالب اینجاست که، منبع نجاشی مثل شیخ طوسی، فهرست حمید بن زیاد است. پس چرا نجاشی به نتیجه‌ای متفاوت با شیخ طوسی رسیده است؟ در مقام پاسخ، چنین به نظر می‌رسد نجاشی مبنای مختلفی در این زمینه داشته باشد. این کتاب در بغداد موجود بوده و بین اصحاب معروف بوده است. نجاشی با تحقیق و مقابله و دقت‌های نسخه‌شناسانه، متوجه این نکته شده است. اما نجاشی نمی‌توانسته از طریق تلعکبری اجازه خودش به کتاب را بیان کند، چون اگر از طریق تلعکبری می‌رفت باید همان مطلب شیخ طوسی را ذکر می‌کرد و کتاب را به جعفر حضرتمی انتساب می‌داد، پس برای اینکه انتساب کتاب به جعفر بن محمد بن شریح را رد کند و به حمید بن شعیب نسبت دهد، از طریق استاد دیگرش حسین بن عبیدالله غضائی نقل کرده است. از تفاوت طریق نجاشی و شیخ طوسی، می‌توان به این مطلب پی‌برد که گرچه احتمالات

دیگری هم متصوّر است اما با این قرائن، به احتمال زیاد نجاشی مشکل این انتساب غلط را هارون بن موسی تلعکبری می‌داند نه حمید بن زیاد کوفی.

نکته دیگر که در بحث تحلیل فهرستی بسیار مهم است مقارنه یک گزاره فهرستی با فهارس دیگر است. فهارس قم مثل فهرست ابن الولید و شیخ صدق و ابن قولویه قمی و ابن بطه هیچکدام این کتاب را نقل نکرده‌اند. در مورد علت نقل نکردن، دو احتمال وجود دارد:

الف) احتمال ۱: نسخه از بغداد به قم نیامده است و فهارس قم اطلاعی از کتاب نداشتن.

این احتمال بعيد به نظر می‌رسد، چون ابن قولویه از شاگردان تلعکبری و هم طبقه نجاشی و شیخ طوسی است. بسیار بعيد به نظر می‌رسد که نجاشی و شیخ طوسی به کتاب دسترسی داشته باشند ولی ابن قولویه با این اوصاف از کتاب معروف در نزد استادش بی اطلاع باشد.

ب) احتمال ۲: فهارس قم، کتاب را به علت اینکه کتاب از تراث واقفیه (به دلیل عبدالله بن جبله) است، حجّت ندانسته و از ذکر در فهارس خودشان خودداری کرده‌اند.

با توجه به برخورد قمی‌ها با تراث‌های افراد فاسد العقيدة، مثل اخراج سهل بن زیاد از قم به خاطر فساد عقیدتی (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۸۵، رقم ۴۹۰) و یا اخراج ابوجعفر محمد بن علی بن ابراهیم القرشی از قم توسط احمد اشعری (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۳۲، رقم ۸۹۴)، احتمال اخیر صحیح به نظر می‌رسد.

احتمال دوم: نجاشی طریق دیگری ندارد، طریقش همان طریق شیخ طوسی و از تلعکبری است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که نجاشی پس چرا طریقی ذکر نکرده با اینکه این کار خلاف ضوابط فهرستی است و اگر طریق ذکر نکند کتاب، وجاده‌ای می‌شود و از حجّیت ساقط می‌شود؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که نجاشی یا باید نظر قطعی خودش را بر عدم انتساب کتاب به جعفر حضرمی را با نقل از طریق تلعکبری رد کند، یا نه، اصلاً طریق ذکر نکرده تا جمع بین ضوابط فهرستی و نظر قطعی خودش کرده باشد. با عدم ذکر طریق گرچه مشکل دیگر به نام وجاده‌ای شدن کتاب محل می‌شود، ولی با این حال بنا بر این احتمال، نجاشی اولویّت و ترجیح را بر رعایت نظر خودش می‌داند.

نجاشی به این نکته توجه دارد و می‌داند که اگر طریق را ذکر کند باید همان مطلب شیخ

طوسی از تلعکبری را نقل کند و حال آنکه نجاشی انتساب تلعکبری را قبول ندارد. پس طریق را ذکر نمی‌کند تا به مخاطب بفهماند که نظر من بر ثبوت کتاب برای حمید بن شعیب سیعی است نه جعفر بن محمد بن شریع حضرمی. طبق این احتمال، چون طریق ندارد، کتاب، وجاده‌ای شده و حجیت برای ما ندارد.

۲-۲-۸- مسلک رجالی:

بنابر مسلک رجالی دو احتمال وجود دارد:

طبق احتمال اول - طریق نجاشی به کتاب دوم حمید بن شعیب به تقریر جعفر بن محمد بن شریع حضرمی، همان طریق کتاب اول حمید بن شعیب است- مشایخ اجازه نجاشی به ترتیب زیر است:

۱- ابوعبدالله حسین بن عبیدالله غضائی: از اجله اصحاب ما و بزرگان مشایخ شیعه است. نجاشی در مورد ایشان می‌نویسد: «بزرگ و شیخ این طائفه شیعه است. عالم، فقیه شیعه و بزرگ مشایخ قمی‌ها و داناترین آنهاست» (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۸۵). بقیه عالمان رجالی ایشان را ثقه دانسته‌اند. (طوسی، ۱۳۷۳ش: ۴۲۵ و علامه حلی، ۱۴۰۲ق: ۵۰)

۲- ابوعلی احمد بن جعفر بن سفیان بزوفری: ایشان پسرعموی حسین بن علی بن سفیان البزوفری ثقه و جلیل القدر است. احمد بن جعفر از مشایخ اجازه تلعکبری و شیخ مفید و حسین بن عبیدالله غضائی است (نوری طبرسی، ۱۴۲۹ق: ۲۵/۲۵). ایشان از ابوعلی احمد بن ادریس اشعری قمی روایت نقل کرده است و طبق مینا و ثابت مشایخ اجازه و کثرت روایت از ثقات، می‌توان به وثاقت ایشان قائل شد (همان: ۴۱۰). همچنین مامقانی در مورد ایشان می‌گوید: جلالت شان ایشان آنقدر است که احتیاجی به توثیق نیست (مامقانی، ۱۴۳۱ق: ۱/۴۶۵).

صحت کلام مامقانی مبتنی بر قبول قاعده وثاقت اجلاء و مشاهیر است و بدون قبول این مبنای قبول نظر مامقانی صحیح نیست.

۳- ابوالقاسم حمید بن زیاد کوفی: صاحب فهرست معروف از منابع شیخ طوسی و نجاشی است. نجاشی در مورد ایشان می‌گوید: «حمید بن زیاد ثقه و واقعی مذهب و از بزرگان

واقعیه است» (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۳۲). استرآبادی علاوه بر این، شیخوخیت در اجازه به بزرگان مذهب را دلیلی بر اعتماد بر ایشان می‌شمارد (استرآبادی، ۱۴۲۲ق: ۴۱۸).

۴- ابو محمد حسن بن محمد بن سماعه کندی صیرفی: نجاشی در مورد ایشان می‌نویسد: «ایشان از بزرگان واقعیه، کثیرالحدیث، ثقه و در واقعیگری خیلی معاند و متعصب بر مذهبش است» (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۴۱). پس تصریح نجاشی بر وثاقت ایشان است اما او از شاگردان عبدالله بن جبله و بزرگان واقعیه است و قبول وثاقت ایشان متوقف بر مبنایی است که فساد اعتقادی را مضمر به وثاقت ندانیم.

۵- ابو محمد عبدالله بن جبله بن حیان ابجر الکنانی: ایشان از بزرگان شیعه بود ولی بعد مبتلا به وقف شد و از سران این مذهب گردید. نجاشی در مورد ایشان لفظ «فقیه ثقه مشهور» را به کار می‌برد. (همان: ۲۱۶)

نتیجه ارزیابی رجالی: همه افراد طریق، از ثقات می‌باشند. بنابراین از نظر رجالی می‌توان به این طریق نجاشی اعتماد کرد. آیت‌الله خوئی در مورد طریق دیگری که به همین کتاب شیخ طوسی ذکر شده است اشکال می‌کند و می‌فرماید طریق مرسل است، چون حسن بن محمد بن سماعه نمی‌تواند بدون واسطه از حمید بن زیاد نقل کند (خوئی، ۱۴۱۳ق: ۳۰۸/۷).

طبق احتمال دوم - نجاشی طریقی ذکر نکرده باشد - سند کتاب مرسل بوده و حجیت ندارد. بنا بر مبنای لزوم بررسی طرق به کتاب.

۹- ارزیابی مضمونی روایات

محتوای روایات کتاب جعفر حضرمی در سه موضوع اصلی است:

۱- امامت و فضائل اهل بیت علیهم السلام؛

۲- آداب و سنت؛

۳- احادیث تفسیری.

تقریباً اغلب روایات منقوله در کتاب جعفر حضرمی، دارای مضماین بالایی هستند. محقق مامقانی درباره احادیث حمید بن شعیب از جابر که عمدۀ روایات کتاب هم به این طریق است (۸۷ روایت)، می‌فرماید: «خبر جابر در مورد امامت و اسرار ائمۀ علیهم السلام است و این مسائل

نزد اقدمین مورد انکار واقع می‌شد و حال آنکه الآن از بدیهیات است. بنابراین احادیث حمید بن شعیب حسن است مطلقاً). (مامقانی، ۱۴۳۱ق: ۲۴/۳۳۵)

از نظر مضمون مخالفتی با نصوص دیگر، همچنین آیات قرآن، تاریخ و سیره قطعی معصومین ﷺ و قواعد عقلی و عقلاً تیه که از ملاکات اعتبار مضمونی شمرده شده است در این احادیث مشاهده نمی‌شود (الهاشمی، ۱۴۳۰ق: ۱۹۳)؛ در نتیجه اعتبار مضمونی ثابت می‌شود.

جمع‌بندی

از مطالب گذشته واضح گردید که مؤلف اصلی کتاب که روایات جابر را اولین بار مکتوب کرده است، حمید بن شعیب سیعی است و جعفر بن محمد بن شریح حضرتمی همین احادیث را استنساخ کرده و به عبارتی تقریر کرده است. این همان مطلبی بود که از کندوکاو عبارت نجاشی به دست آمد و منشأ خطأ هم تلعکبری است و ایشان اولین کسی است که کتاب را به جعفر بن محمد بن شریح انتساب داده است و این خطأ از تلعکبری به شیخ طوسی سرایت کرده است. منشأ خطأ هم، ظاهراً خط جعفر بن محمد بن شریح بوده است. احتمال دارد نجاشی با استفاده از مقابله و مقارنه نسخه و با دقّت‌های کتابشناسانه خود متوجه این خطأ شده و با زیرکی و کار عالمانه، کتاب را بدون ذکر طریق به حمید بن شعیب انتساب داده است؛ تا هم ضوابط علم حدیث را رعایت کرده باشد، و هم نظر خودش را ارائه دهد.

کتاب در کوفه و بغداد موجود بوده و در اختیار نجاشی و طوسی بوده است. ولی با این حال این کتاب به فهارس قم (مثل فهرست ابن ولید و شیخ صدق و ابن بطه و غیره) راه پیدا نکرده است. در مورد علت این مطلب هم دو احتمال وجود دارد: اول اینکه نسخه به قم نیامده باشد و فقط در محیط عراق مطرح بوده باشد؛ که این احتمال بسیار بعید به نظر می‌رسد. احتمال دوم اینکه نسخه به قم آمده است ولی با توجه به اینکه کتاب از تراث واقفیه است، توسط بزرگان قم تحریر شده و از فهارس حذف شده است. این احتمال که یک نوع پالایشی اتفاق افتاده باشد صحیح‌تر به نظر می‌رسد. پس نسخه در نزد قمی‌ها ضعیف بوده و حجیّت نداشته است.

نظر نهایی نگارنده، این است که با توجه به طرق فهرستی و اسناد روایات و مضمومین بسیار بالای موجود در کتاب درباره امامت و فضائل اهل بیت ﷺ و اعتنای اصحاب امامیه در بغداد و کوفه به این کتاب و سایر شواهد و قرائن، حجیّت و اعتبار کتاب ثابت است.

منابع

١. ابن غضائري، احمد بن حسين(١٤٢٢ق). الرجال. قم: مؤسّسه علمي فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول.
٢. اهوازی، حسین بن سعید(١٤٠٢ق). الرهد. قم: مؤسّسة الامام المهدی ﷺ ، چاپ دوم.
٣. اردبیلی، محمد بن علی(١٤٠٣ق). جامع الرواۃ و إزاحة الاشتباہات عن الطرقو الأسناد. بیروت: دارالأضواء، چاپ اول.
٤. ابن شهرآشوب، محمد بن علی (١٣٨٠ق). معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعه و أسماء المصنفین منهم قدیماً و حدیثاً (تمّة کتاب الفهرست لشیخ آبی جعفر الطوسي). نجف اشرف: المطبعة الحیدریة، چاپ اول.
٥. _____ (١٣٧٩ق). مناقب آل آبی طالب ﷺ. قم، چاپ اول.
٦. استرآبادی، محمد بن علی(١٤٢٢ق). منهج المقال فی تحقيق أحوال الرجال. قم: موسسّة آل البيت ﷺ لایحاء التراث، چاپ اول.
٧. البرقی، احمد بن محمد(١٣٤٢ش). الرجال. تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول.
٨. البرقی، احمد بن محمد بن خالد(١٣٧١ق). المحسن. قم، چاپ دوم.
٩. بصری، احمد بن عبد الرضا(١٤٢٢ق). فائق المقال فی الحديث و الرجال. قم: مؤسّسه علمی فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول.
١٠. تفرشی، مصطفی بن حسین(١٣٧٧ش). نقد الرجال. قم: موسسّة آل البيت ﷺ لایحاء التراث، چاپ اول.
١١. حسینی حلّی، حسین بن کمال الدین ابرز(١٤٢٨ق). زیدۃ الأقوال فی خلاصة الرجال. قم: مؤسّسه علمی فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول.
١٢. حر عاملی، محمد بن حسن(١٤١٦ق). تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه. قم: موسسّة آل البيت ﷺ لایحاء التراث، چاپ سوم.
١٣. حضرمی، جعفر بن محمد(١٤٢٣ق). الأصول الستة عشر. تحقیق: محمودی،

- ضياء الدين؛ نعمت الله جليلي و مهدى غلامعلی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول.
١٤. حمیری، عبدالله بن جعفر(١٤١٣ق). قرب الإسناد. قم، چاپ اول.
 ١٥. _____ (١٤٢٥ق). إثبات الهدأة بالنصوص والمعجزات. بيروت، چاپ اول.
 ١٦. خویی، ابوالقاسم(١٤١٣ق). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواۃ. بی‌جا، بی‌نا، چاپ پنجم.
 ١٧. شوشتی، محمد تقی(١٤١٠ق). قاموس الرجال. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ دوم.
 ١٨. الصدقون، ابن بابویه محمد بن علی(١٣٧٦ش). الأمالی. تهران: نشر کتابچی، چاپ ششم.
 ١٩. _____ (١٤٠٦ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: دارالتشریف، چاپ دوم.
 ٢٠. _____ (١٤٠٣ق). معانی الأخبار. تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: نشر جامعه مدرسین، چاپ اول.
 ٢١. _____ (١٤٠٢ق). مصادقة الإخوان. تحقيق: سید علی خراسانی، نشر مکتبة الإمام صاحب الزمان(ع)، چاپ اول.
 ٢٢. صفار قمی، محمد بن حسن(١٤٠٤ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد(ع). تحقيق: محسن کوچه‌باغی تبریزی، قم، چاپ دوم.
 ٢٣. طوسی، محمد بن حسن، (١٤٢٠ق). فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول. قم: مکتبة المحقق الطباطبائی، چاپ اول.
 ٢٤. _____ (١٣٧٣ش). رجال الطوسی. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ سوم.
 ٢٥. _____ (١٤١٧ق). العدة فی اصول الفقه. تحقيق: الشیخ محمد رضا الانصاری القمی، قم: نشر علاقه بنديان، چاپ اول.

٢٦. طبرسى، على بن حسن(١٣٨٥ق). مشكاة الأنوار في غر الأخبار. نجف: نشر مكتبه الحيدرية، چاپ دوم.
٢٧. طبرى آملى، عماداللّٰهين أبى جعفر محمد بن أبى القاسم(١٣٨٣ق). بشارة المصطفى لشيعة المرتضى. نجف: نشر مكتبة الحيدرية، چاپ دوم.
٢٨. علامه حلّى، حسن بن يوسف(١٤٠٢ق). رجال العلامة الحلّى. قم: الشريـف الرضـي، چاپ دوم.
٢٩. عياشى، محمد بن مسعود(١٣٨٠ق). تفسير العياشى. تحقيق: سيد هاشم رسولى محلاتى، تهران: نـشر المطبعـه العلمـيـه، چـاـپ اـول.
٣٠. قهـپـايـى، عـنـاـيـتـالـلهـ(١٣٦٤شـ). مـجمـعـ الرـجـالـ. قـمـ: اـسـمـاعـيلـيـانـ، چـاـپ دـوـمـ.
٣١. كلـبـاسـىـ، اـبـوالـهـدـىـ(١٤١٩قـ). سـمـاءـ المـقاـلـ فـيـ عـلـمـ الرـجـالـ. قـمـ: مؤـسـسـةـ ولـىـ العـصـرـ للـدـرـاسـاتـ الإـسـلـامـيـةـ، چـاـپ اـولـ.
٣٢. كـلـيـنىـ، مـحـمـدـ بـنـ يـعقوـبـ(١٤٠٧قـ). الـكـافـىـ. تـحـقـيقـ: الغـفارـىـ، تـهـرـانـ: نـشـرـ الـاسـلـامـيـةـ، چـاـپـ چـهـارـمـ.
٣٣. كـلـبـاسـىـ، مـحـمـدـ بـنـ مـحمدـ بـراـهـيمـ(١٤٢٢قـ). الرـسـائـلـ الرـجـالـيـةـ. قـمـ: مؤـسـسـهـ عـلـمـيـ فـرهـنـگـيـ دـارـ الـحـدـيـثـ، چـاـپـ اـولـ.
٣٤. كـوفـىـ، فـراتـ بـنـ اـبـراهـيمـ(١٤١٠قـ). تـفـسـيرـ فـراتـ الـكـوـفـيـ. تـحـقـيقـ: كـاظـمـ مـحـمـدـ، تـهـرـانـ: مؤـسـسـةـ الطـبـعـ وـ النـشـرـ فـيـ وزـارـةـ الإـرـشـادـ الإـسـلـامـيـ، چـاـپـ اـولـ.
٣٥. مرـتضـىـ، بـسـامـ(١٤٢٦قـ). زـبـدـةـ المـقاـلـ مـنـ معـجمـ الرـجـالـ. بـيـرـوـتـ: دـارـ الـمـحـجـّـةـ الـبـيـضاـءـ، چـاـپـ اـولـ.
٣٦. مجلـسـىـ، محمدـ باـقرـ بـنـ محمدـ تقـىـ(١٤٠٣قـ). بـحـارـ الأنـوارـ. بـيـرـوـتـ، چـاـپـ دـوـمـ.
٣٧. مـامـقـانـىـ، عـبدـالـلـهـ(١٤٣١قـ). تـنـقـيـحـ المـقاـلـ فـيـ عـلـمـ الرـجـالـ(طـ الـحـدـيـثـ). قـمـ: مؤـسـسـةـ آلـ الـبـيـتـ لـإـلـحـيـاءـ التـرـاثـ، چـاـپـ اـولـ.
٣٨. مـهـرـيزـىـ، مـهـدىـ(١٣٨٠شـ). مـيرـاثـ حـدـيـثـ شـيـعـهـ. قـمـ: مؤـسـسـهـ عـلـمـيـ فـرهـنـگـيـ دـارـ الـحـدـيـثـ، سـازـمانـ چـاـپـ وـ نـشـرـ، چـاـپـ اـولـ.

٣٩. مفید، محمد بن محمد نعمان(١٤١٣ق). الإختصاص. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ اول.
٤٠. مظاهري، حسين(١٤٢٨ق). الثقات الأخیار من رواة الأخبار. قم: مؤسسة الزهراء^ع الثقافية الدراسیة، چاپ اول.
٤١. نجاشی، احمد بن علی(١٣٦٥ش). رجال النجاشی. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ ششم.
٤٢. نمازی شاهروذی، علی(١٤١٤ق). مستدرکات علم رجال الحديث. تهران: فرزند مؤلف، چاپ اول.
٤٣. نوری، حسين بن محمد تقی(١٤٢٩ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بيروت: موسسه آل البيت^ع لإحياء التراث، چاپ اول.
٤٤. الهاشمي، سید علی حسن مطر(١٤٣٠ق). إثبات صدور الحديث بين منهجهي نقد السند و نقد المتن. قم: نشر ناظرین، الطبعة الأولى.
- مقالات:**
٤٥. جدیدی نژاد، محمدرضا. «بازخوانی نسبت برخی کتاب‌ها به بعضی از مؤلفان در رجال النجاشی و الفهرست شیخ طوسی». آینه پژوهش، دوره ۲۲، شماره ۱۲۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰: ۱۸-۲۳.
٤٦. سرخه‌ای، احسان. «جستاری در مفهوم نسخه؛ سبکی در گردآوری و گزارش احادیث»، مجله علوم حدیث، دوره ۱۸، شماره ۷۰، زستان ۱۳۹۲.